

به عنوان خطبه می خواهم متنی از کتاب اعمال رسولان بگیرم - داستانی که برای من یکی از جالب ترین اتفاقات آنجاست

ما این متن را در اعمال رسولان 16:25-34 می یابیم - در نیمه شب پولس و سیلاس دعا کردند و خدا را ستایش کردند. و زندانیان به آنها گوش دادند. اما ناگهان زلزله بزرگی رخ داد، به طوری که پایه های زندان متزلزل شد. و بلافاصله تمام درها باز شد و تمام بندها باز شد. اما زمانی که زندانبان از خواب بیدار شد و درهای زندان را باز دید، شمشیر خود را بیرون کشید و به گمان فرار زندانبان خواست خود را بکشد. اما پولس با صدای بلند فریاد زد و گفت: به خودت آسیب نده! چون همه اینجا هستیم. اما او نور خواست و به داخل پرید. و لرزان به حضور پولس و سیلاس افتاد. و آنها را بیرون آورد و گفت: «آقایان، من باید چه کنم تا نجات پیدا کنم؟ اما آنها گفتند: به خداوند عیسی ایمان بیاورید، و شما و خانواده خود نجات خواهید یافت. و کلام خداوند را به او و همه کسانی که در خانه او بودند گفتند. و ایشان را در آن ساعت شب گرفت و زخمهایشان را شست. و او و تمام پیروانش بلافاصله تعمیر یافتند. و آنها را به خانه خود آورد و برای آنها سفره گذاشت و همه خانه او با ایمان به خدا شادی کردند.

چه اتفاقی افتاده است؟ - پولس و سیلاس رسولان در سفر تبلیغی خود از شهر فیلیپی یونان عبور کردند. در آنجا برای اولین بار با زنی به نام لیدیآ آشنا می شوند که پس از گفتگو با پولس تغییر دین می دهد و بلافاصله غسل تعمید می گیرد. مدتی در شهر می مانند و در یکی از همین روزها با زنی با روحیه فال گیر مواجه می شوند و آن را جن گیری می کنند تا - زن دیگر نتواند فال بگیرد - و همین امر باعث غوغایی در شهر شد. چرا؟ چون افراد دیگری هم بودند که با استفاده از توانایی این زن پول درآوردند و پل و سیلاس نیز با آزادی این زن مدل - کسب و کار خود را از بین بردند.

همه چیز اکنون منجر به شورش، اتهام و در نهایت دستگیری حواریون شد. و بنابراین پولس و سیلاس، پس از ضرب و شتم شدید با میله، اکنون در زندان بودند و پاهای خود را به یک بلوک زنجیر - کرده بودند. وظیفه نگهبانی و نگهبانی از آنها بر عهده زندانبان بود. او مسئول جانش بود - که همچنین توضیح می دهد که چرا وقتی دید همه درهای زندان باز است می خواست خود را بکشد. - کدام زندانبان اگر - فرصت داده می شد فرار نمی کردند و از فرصت فرار استفاده نمی کردند؟ - رومی ها نسبت به این گونه جنایات خجالتی نبودند.

خوب، زندانبان حتی متوجه صحنه قبل از این رویداد نشد، زیرا او خواب بود. اما ما می دانیم. رسولان در میان گرفتاری های خود شروع به خواندن و ستایش خدا کردند. می توانستی به خدا شکایت - کنی. میتونستی بگی اکنون ما جان خود را به خدا داده ایم و به دفاع از او ایستاده ایم و هر چه نصیبمان شده، سرزنش، ضرب و - شتم و زندان است. آنها همچنین به دلیل موقعیتی که دارند می توانستند خود را در ترس و افسردگی گم کنند -

اما نکردند! آنها تنها کار درست را انجام دادند. آنها شروع کردند به ستایش خدا، تمرکز قلب خود را روی چیزهای مثبت، روی تنها کسی که می تواند در این شرایط به آنها کمک کند، در داخل و خارج وقتی به مشکل می خوریم باید همین کار را بکنیم. به سوی خدا بیاوید و با ایمان و توکل به او نگاه کنید، او را ستایش کنید و - برای کمکش منتظر شکر باشید.

این شما را از افکار و احساسات منفی که بر شما غلبه می کند محافظت می کند - و احتمالاً برای مدتی (احتمالاً ساعتها) این کار را انجام داده اند، زیرا می خوانیم: "زندانبان به آنها گوش دادند." - و این - فعل "گوش دادن" از نظر دستوری در زمان ناقص است که نشان دهنده یک عمل مداوم و مکرر است.

و این گوش دادن به بقیه زندانبان کاری کرد. این ستایش و نگرش ایمان و توکل به خدا فضا را تغییر داد. - ستایش حتی امروز هم می تواند چنین کاری انجام دهد - کاری به ما و ادراک ما می کند و سپس اغلب به موقعیت -

خدا وارد این زندان شد. اول اتمسفر و سپس با قدرت. زلزله ای رخ داد که احتمالاً زندانبان را از خواب بیدار کرده و در همان زمان درهای سیاه چال باز شد و زنجیر زندانبان - افتاد. و آنچه جالب است این است که این فقط برای پولس و سیلاس اتفاق نیفتاد، بلکه برای همه زندانبان اتفاق افتاد - و این زندانبان دیگر می دانستند و احساس می کردند که این اتفاقی است که خدا انجام می دهد، چیزی فراتر از طبیعی. زیرا چه - زلزله ای بدون اینکه دیوارها فرو بریزد درها و زنجیرها را باز می کند. پس خودشان سالم ماندند.

و از آن وحشت داشتند و جرأت نداشتند به سادگی فرار کنند، اما همان جا ماندند و تجربیات شخصی خود را با خدا داشتند. - اما ما چیزی در مورد آن نمی خوانیم

وقتی حضور خدا آنجاست، اتاقی را پر می‌کند و افراد برکت می‌یابند و تجربه خاصی با خدا دارند - آن هم مثل امروز - آن وقت همیشه چیزی است که خداوند دیگران را که در اطراف هستند نیز مخاطب قرار می‌دهد و لمس می‌کند

اگر امروز اینجا هستید و هنوز با عیسی رابطه ندارید، یا اگر خودتان هم مانند این زندانیان دیگر در زندان فیلیپی، هنوز در بند، آزاد و در عرصه‌های مختلف زندگی‌تان آسیب دیده‌اید پس مطمئنم که خدا هم امروز با شما ملاقات خواهد کرد و چیزی از قدرت و عشق خدا را تجربه خواهید کرد که می‌خواهد - شما را نیز نجات دهد حضورش در این فضا است، در این خطبه است، در غسل تعمید است و در مدح است. - و شاید چیزی از این قدرت رهایی - بخش و تغییر دهنده را احساس کنید

اکنون گزارش بر روی پولس، سیلاس و زندانبان تمرکز دارد زندانبانی که می‌خواست خود را بکشد زیرا می‌دانست به هر حال زندگی اش از بین می‌رود، زیرا باید انتظار داشت که - همه زندانیان از فرصت استفاده کنند و فرار کنند. این واقعیت که پل گفت: "هی، همه ما هنوز اینجا هستیم" - این باید او را منفجر کرده باشد - این نه تنها به این معنی بود که خداوند به طور فوق طبیعی زندانیان را آزاد کرد - بلکه خدا به آنها گفت که آنجا بمانند تا اتفاق بدی برای او نیفتد - و این بدان معناست که خداوند او را زیر نظر داشت و همچنین می‌خواست او را نجات دهد و به سوی خود بکشانند. - و به - این ترتیب رسولان انجیل را برای او و برای او و خانواده اش آوردند و به جای خودکشی، در آن شب او زندگی جدید و ابدی را از خدا دریافت کرد و برای زمان و ابدیت نجات یافت زیرا - شروع به ایمان آوردن به عیسی کرد

امروز هم قصد خدا برای همه کسانی که اینجا هستند این است. افرادی در اینجا هستند که می‌خواهند تعمید بگیرند زیرا عشق و قدرت عیسی را در زندگی خود تجربه کرده اند و می‌خواهند در غسل تعمید برای همه شهادت دهند و اعتراف کنند -

وقتی عشق خدا را تجربه می‌کنید، چگونه او شما را لمس می‌کند و چگونه در زندگی شما دخالت می‌کند، آن را تغییر می‌دهد - حتی اگر آن را در دیگران ببینید - پس شما نیز می‌خواهید آن را در دست بگیرید، برقرار کنید و خودتان شاهد آن باشید. - و این امروز اتفاق می‌افتد و در آن زمان نیز اتفاق افتاده است

اکنون به سؤال زندانبان می‌رسد (و می‌توان فرض کرد که سایر زندانیانی که مانده اند و با کار خدا روبرو شده اند همین را می‌پرسند): آقایان، من برای نجات چه باید بکنم؟ خدا می‌خواهد که ما او را بشناسیم و نجات پیدا کنیم - و پاسخ به این سؤال امروز دقیقاً همان است که در آن زمان بود: اما آنها گفتند: به خداوند عیسی ایمان بیاورید و شما و خانواده خود نجات خواهید یافت

به خداوند عیسی ایمان داشته باشید! - دقیقاً چه معنی می‌دهد؟ آنچه امروز نامزدهای غسل تعمید ما نیز در غسل تعمید خود گواهی می‌دهند - بیاور کنید که خدا به عنوان خالق شما شما را دوست دارد و در عیسی مسیح به عنوان نشانه ای از عشق او انسان شد - بیاور کنید که عیسی برای گناه و گناه شما که شما را از خدا جدا می‌کند با جان و خون خود بر روی صلیب پرداخت - که او - نیز گناه شما را بخشید بیاور کنید که از این طریق عیسی تنها راه رسیدن به خدای پدر برای همه مردم شد - ایمان به مرگ و رستاخیز او که از طریق آن خداوند این قربانی را یک بار برای همیشه معتبر اعلام کرد - بیاور کنید که از طریق لطف و ایمان به این هدیه خدا تنها برای زمان و ابدیت نجات خواهید یافت - و اینکه وقتی عیسی بازگردد (و خواهد آمد)، پس از پایان زندگی روی این زمین، شما برای همیشه با او خواهید بود -

پولس و سیلاس همه اینها را برای زندانبان و خانواده اش توضیح دادند. "این همان چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید: "انجیل - و آنها، درست مثل شما امروز، این انتخاب را داشتند که این را بیاور کنند و شخصاً آن را بپذیرند -

اکنون کتاب مقدس به ما می گوید که آنها ایمان آوردند و در همان روز به عنوان نشانه ای از ایمانشان تعمید گرفتند. - و کلام خداوند را به او و همه کسانی که در خانه او بودند گفتند. و ایشان را در آن ساعت شب گرفت و زخمهایشان را شست. و او و تمام پیروانش بلافاصله تعمید یافتند.

بعد از اینکه امروز خدا با شما صحبت کرد و او را در قلب خود احساس کردید، چه خواهید کرد؟
آیا مثل بقیه اسرا می مانید و با کلام و حضور خدا روبرو می شوید یا فرار می کنید و بعد از این خدمت به راه خود می روید - و به زندگی قبلی ادامه می دهید؟
آیا مانند زندانبان و خانواده اش با کلام خدا روبرو خواهید شد و آن کلمه را با ایمان مرتبط خواهید کرد یا آن را رد خواهید - کرد و اجازه می دهید زندگی بدون خدا در نهایت شما را نابود کند؟

هر کاری که انجام دهید، انتخاب آزاد شماست
امروز اینجا، این افراد در جبهه قبلاً این انتخاب را کرده اند و اکنون به ایمان خود به غسل تعمید شهادت می دهند -
دفعه بعد شما هم می توانید آنجا باشید -